

## یادداشت

### دولت آلمان چه پاسخی دارد؟

دادگاه رسیدگی به پرونده ترور برلین نزدیک به شش ماه است که جریان دارد. گزارش‌های این دادگاه تا کنون کمابیش در نشریه "کار و بخش‌ها" از آن درباره‌ی دیگر از نشریات فارسی زبان انتشار یافته است. آنان که جریان این دادرسی را از طریق گزارش‌های انتشار یافته دنبال می‌کنند، به خوبی می‌دانند که در ظرف این شش ماه، با هر گام پیش رفت کار دادگاه، داستان خون‌آلود رژیم اسلامی در پس این جنایت نمایان تر می‌گردد و به برای ایرانیان و نه برای هیچ ناظر بی‌طرف خارجی ابهامی در این که این آدم کشی به دستور مستقیم تهران و توسط عوامل آن طراحی و اجرا گردیده است، باقی نمی‌گذارد.

اما گذشته از این، جریان این دادرسی واقعیت دیگری را نیز نشان داد. واقعیتی که حکایت از حضور و دخالت فعال دولت آلمان در پرونده مشکوکوس دارد. در این باره می‌توان بر موارد زیادی انگشت گذاشت که برخی از آن‌ها در واقع عمده ترین آن‌ها - از این قرارند:

۱- شش ماه پس از آغاز کار دادگاه، روزنامه "معتبر" دی تسایت "فاش ساخت که علت برکناری فون اشتال دادستان سابق آلمان نه یک مسئله داخلی، بلکه در ارتباط با پرونده ترور برلین وزیر فشار دولت آلمان بوده است. دی تسایت "دلیل برکناری فون اشتال را با فشاری وی در پی گیری پرونده ترور و به ویژه انگشت اتهامی خواند که او بر اساس مدارک غیر قابل انکار در کفرخواست تنظیمی خود به سوی تهران نشانه گرفته بود.

۲- در جریان دادگاه برلین روشن شد که گزارشی بسیار مهم و حساس در ارتباط با شبکه ترور که توسط سرویس اطلاعاتی فدرال آلمان تهیه شده بود، از پرونده خارج شده و دادگاه عملاً از دسترسی به آن محروم شده است.

۳- روشن گردید که دو تن از دیپلمات‌های سفارت جمهوری اسلامی در برن که در واقع افسران اطلاعاتی رابط کاظم دارابی و مرتبط با شبکه ترور و طرح و اجرای ترور میکونوس بوده‌اند، پنهانی به تهران فرستاده شدند.

۴- افسران اداره آگاهی فدرال آلمان که مسئول پرونده و بازپرسی از متهمان بودند، از ارائه اطلاعات کافی به دادگاه و پاسخ کامل به سؤالات دادگاه منع شده‌اند.

۵- بالاخره اشمید با وثر هماهنگ کننده سرویس‌های اطلاعاتی در دولت آلمان، با حضور در دادگاه و به رغم تکذیب‌های قبلی اش اعتراف کرد که ۴ بار با علی فلاحیان درباره ترور برلین صحبت کرده و فلاحیان از وی خواسته است جلوی تشکیل دادگاه گرفته شود. اظهارات بسیار ضد و نقیض اشمید با وثر در این مورد، این گمان را تقویت می‌کند که توافق‌های اعلام نشده‌ای میان طرفین صورت گرفته است.

اگر گزارشات انتشار یافته دادگاه به دقت دنبال شود، شمار مواردی که دخالت دولت آلمان بسیار بیش از این‌هاست. به طور مثال سرویس اطلاعاتی آلمان قبل از وقوع جنایت برلین از موقعیت و فعالیت‌های کاظم دارابی و ارتباط وی با شبکه‌های مخفی دست اندر کار ترور مخالفان سنیاتی رژیم اسلامی اطلاعات مفصلی داشته است. اما چرا وی تا قبل از جنایت برلین دستگیر نشد؟ این موضوع به شکل پرسشی که تا کنون نیز پاسخی نیافته، به مطبوعات خود آلمان نیز کشیده شد.

این موارد چه چیزی را اثبات می‌کنند؟ هیچ معنایی در کار نیست. دولت آلمان با آگاهی کامل از این که جنایتان از کجا هدایت شده‌اند، از طریق مسئول هماهنگ کننده سرویس‌های اطلاعاتی در دولت، در تلاش بوده است تا جایی که می‌تواند مانع از آن گردد که رد پای رژیم جمهوری اسلامی در این جنایت آشکار شود و جمهوری اسلامی به عنوان عامل جنایت در صندلی اتهام نشانداده شود.

حقیقت آن است که اگر فعالیت‌های چشم گیر اپوزیسیون ایران نبود، اگر پاره‌ای از مطبوعات و برخی از احزاب ترقی خواه آلمان واکنش نشان نمی‌دادند، اگر اعتراضی از محافل و مجامع بین المللی مخالف ترور و طرفدار حقوق بشر بر نمی‌خواست و دولت آلمان ترس از افکار عمومی به دل نداشت، امکان می‌یافت سرپوش ضخیمی بر واقعه کشیده و مانع از دادخواهی ایرانیان در برابر افکار عمومی دنیا شود. دولت آلمان موفق بدین کار شد، اما توانست برخی از متهمین، اسناد و مدارکی را از دست رس خارج کند که با وجود آنها، چهره ترور رژیم دولتی رژیم اسلامی عربان تراز پیش در معرض دید جهانیان قرار می‌گرفت. راستی دولت آلمان در این باره چه پاسخی دارد؟ کدام "منافع" مشوق دولت آلمان در این دخالت‌هاست؟

اگر دولت کهل نگران منافع سرشار حاصل از بازگانی چندین میلیارد مارکی یا جمهوری اسلامی است، دولت جمهوری اسلامی نیز به دلیل انزوای بین المللی اش به همان اندازه محتاج داشتن چنین روابط بازگانی گسترده‌ای است. اگر "مسائل انسانی" چنانچه گاه‌ها ادعا شده، کمک به آزادی شهروند آلمانی زندانی در ایران - دولت آلمان را به کرنش در برابر باج خواهی تروریستی رژیم اسلامی کشانده، دولت‌مردان آلمان نیایستی شناختی کمتر از دیگران از سرانجام چنین معاملات "انسانی" داشته باشند. بنابراین سئوال همچنان به قوت خود باقی است که کدام انگیزه‌هاست که دولت بن رابه بی‌اعتنایی آشکار نسبت به اصول مندرج در قانون اساسی کشور او داشته است؟

AA00049